

رساله ابدالیه مولانا یعقوب چرخنی



نادرگیان سرشتی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه
میراث فرهنگی، صنایع
دستی و گردشگری

چکیده

رساله ابدالیه یکی از
مهم‌ترین و اصلی‌ترین
آثار فارسی مولانا
یعقوب چرخنی (متوفی

۸۵۱ ق) به شمار می‌آید. این رساله عرفانی در صفات اولیاءالله و برخی از مراتب و طبقات عرفانی آنان نگاهشسته شده و در آن به مقامات خواجه بهاءالدین نقشبند و علاءالدین عطار نیز اشاره شده است. چرخنی در این رساله به استناد سخنان عارفی چون هجویری در کشف المحجوب به شرح مقام اولیاءالله می‌پردازد و داستانی را در اثبات مرتبه اولیاء از زمان سلطان محمود غزنوی نقل می‌کند. چرخنی در رساله ابدالیه به طبقه‌بندی اولیاءالله براساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) پرداخته و به ویژگی‌های قطب و ابدال بیشتر می‌پردازد. این رساله هرچند به طور مستقل در باب مرتبه و تعداد و صفات و خصوصیات ابدال نگاهشسته شده ولی پیش از چرخنی ابن عربی بیش از هر کس درباره ابدال و خصوصیات آنان سخن گفته است. در این مقاله ضمن شرح مختصری در خصوص احوال و آثار چرخنی، به ارزش و اهمیت این رساله و معرفی ویژگی‌های ادبی و عرفانی آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: رساله ابدالیه، مولانا

یعقوب چرخنی، مراتب اولیاء، ابدال، عرفان نظری، تصوف نقشبندیه.

یعقوب فرزند عثمان فرزند محمود فرزند محمد فرزند محمود غزنوی چرخنی سررزی معروف به «مولانا یعقوب چرخنی» از عرفا و پیشوایان طریقت نقشبندیه که تاریخ تولد وی معلوم نیست ولی بنا به تصریح خودش در تفسیر قرآن به سال ۷۸۲ هـ ق در بخارا خوابی دیده که داستان آن را نقل می‌نماید که نشان می‌دهد عمرش برای طلب علم و سفر به بخارا حداقل بیست سال بوده و در نتیجه می‌توان تخمین زد حدود سال‌های ۷۶۰-۷۷۰ ق متولد شده باشد. چرخنی نسبت از روستای چرخ می‌برد که مسقط الرأس وی بوده و این روستا امروزه در ولایت لوگر افغانستان واقع شده است.^۱ نسبت او را سررزی نیز گفته‌اند که از روستای نزدیک چرخ است و مسکن آباء و اجداد چرخنی آنجا بوده و خود نیز در رساله نائیه بدان اشاره دارد.^۲ پدر چرخنی، مولانا عثمان چرخنی از علماء و عرفاء، مردی پارسا و اهل سلوک بودند که در زهدش روایاتی نیز منقول است.^۳ چرخنی در آثار خود از پدرش چند جا یاد کرده و از وی یک رباعی و دعایی نقل می‌کند^۴ مزار مولانا عثمان چرخنی در مسجدی با همین نام در شهر استروشن (= اوراتیبه) تاجیکستان واقع است.^۵

چرخنی، علوم مقدماتی را در زادگاه خود (چرخ) از پدرش فراگرفت و از آنجا برای تحصیلات به شهرهای هرات و بخارا راه افتاد. وی نخست در جامع شهر هرات به تحصیل پرداخت^۶ و سپس در سال ۷۸۲ ق از هرات به بخارا رفت^۷ در بخارا نزد اکابر و علمای آن جا اجازه فتوی دادن گرفت.^۸ چرخنی در بخارا بالاخره مرید رسمی خواجه بهاءالدین نقشبند (متوفی ۷۹۱ ق) پیشوای طریقت نوبنیاد نقشبندیه شد.^۹ مدتی در خدمت خواجه نقشبند بود و مشغول سیر و سلوک، تا اینکه اجازه

- ۱ چرخنی، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۷۷.
- ۲ جامی، ۱۳۳۶ ش: ۳۹۸؛ کاشفی، ۱۳۵۶ش: ج ۱: ۱۱۶.
- ۳ چرخنی، نائیه، ۱۳۵۲ش: ۱۳۹.
- ۴ چرخنی، نائیه، ۳۵۲ ش: ۹۷.
- ۵ چرخنی، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۱۱۵، ۲۱۲، ۲۴۰، ۳۳۲.
- ۶ کریمیان سررشتی، ۱۳۸۱ش: ۱۴۶
- ۷ کاشفی، ۱۳۵۶ ش، ج ۱: ۱۱۹-۱۲۰.
- ۸ چرخنی، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۱۴۸.
- ۹ کاشفی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۱۱۶.
- ۱۰ چرخنی، انسبیه، ۱۳۶۲ش: ۱۲؛ کاشفی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۱۱۶-۱۱۸.

۱۸۰



نوبنیاد

رساله ابدالیه مولانا یعقوب چرخنی



تألیف رساله‌های عرفانی داشته‌اند. پرسش اصلی در این محبت این است که ایرانیان در گسترش و تدوین و تألیف رساله‌های فارسی مربوط به عرفان نظری و مبنای فکری عرفا چقدر سهیم بوده و در پیشبرد علوم عرفانی و عرفان اسلامی تا چه اندازه نقش داشته‌اند و آثار علمی آنان در یک برهه از زمان به چه مرتبه‌ای بوده و پس از محی‌الدین ابن‌العربی (به عنوان شاخص تدوین کتب و رسائل حوزه عرفان نظری)، دانشمندان عارف مسلک تا چه حدودی با زبان و ادبیات فارسی به این دانش اهتمام داشته‌اند. این پرسش‌ها اساس این پژوهش را تشکیل داده و این جستار به دنبال پاسخی مناسب و علمی و شناساندن یکی از این موارد ارزشمند است.

در رابطه با رساله ابدالیه باید گفت که برای نخستین بار دانشمند پاکستانی محمد نذیر رانجه در سال ۱۹۷۸ م (۱۳۵۷ ش) با گردآوری چند نسخه خطی در پاکستان، این رساله را تصحیح کرده و پیشگفتار و تعلیقاتی بر آن نگاشته و منتشر نمود. این مقاله در نوع خود نخستین شناخت‌نامه این اثر علمی است که تاکنون انجام گرفته است. حتی قبل از پژوهش رانجه در تذکره‌ها و کتب رجال نیز راجع به این اثر گزارش ثبت نشده است.

شناخت‌نامه رساله ابدالیه

۱. سرآغاز

رساله ابدالیه یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین آثار چرخي در مجموعه رساله‌های عرفانی به شمار می‌آید. ابدالیه اساساً در صفات اولیاء الله و برخی از مراتب و طبقات عرفانی آنان نگاشته شده و در آن البته به مقامات خواجه بهاء‌الدین نقشبندی و خواجه علاء‌الدین عطار نیز اشاره شده‌است. چرخي (بنابر متن‌های بر

ارشاد و تعلیم اصول طریقت خواجگان را دریافت کرد.^{۱۱}

چرخي آثار و تألیفات فراوانی از خود به جای نهاد که همه آن‌ها به جز دو-سه اثر به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. بنابراین میتوان چرخي را یکی از مروّجان زبان و ادبیات فارسی در دوره تیموریان (قرن هشتم و نهم هجری) به شمار آورد. آثار وی علاوه بر تفسیر قرآن عبارتند از: ۱. رساله نائیه (نی نامه)، ۲. رساله ابدالیه، ۳. رساله انسیه، ۴. شرح اسماء‌الحسنی، ۵. رساله حورائیه، ۶. طریقه ختم احزاب، ۷. مخارج الحروف، ۸. اسامی المشایخ الکرام، ۹. رساله در علم فرائض (ارث) و حساب، ۱۰. رساله درباره اسباب و علامات قیامت، ۱۱. رساله عرفان و تصوف، ۱۲. مجموعه السیر در سلوک، ۱۳. شرح نصاب الصبیان ابونصر فراهی و سایر آثار و تألیفات دیگری که نیاز به برشمردن آن‌ها نیست. هرچند در انتساب برخی از این آثار به چرخي چند و چون است. اما نشانگر این است که چرخي در زمان خود «کثیرالتألیف» بوده است. از مولانا چرخي برخی کلمات و سخنان و وصایای عرفانی (عارفانه‌ها) در کتب و متون تاریخی-عرفانی و تذکره‌ها منقول است که بیانگر دیدگاه‌ها و آرای عرفانی و نفوذ شخصیت معنوی اوست.^{۱۲} چرخي شاگردان فراوان در طریقت نقشبندی تربیت نمود که از جمله می‌توان از خلیفه و جانشین وی خواجه عبیدالله احرار یاد کرد. مولانا چرخي پس از عمری دراز و پربار در روز شنبه ۵ صفر سال ۸۵۱ ق (مصادف با ۲۲ آوریل ۱۴۴۷ میلادی) وفات یافت.^{۱۳} کاشفی گزارش کرده که مزار ایشان در هلفتو از روستاهای حصار واقع است و همین روایت را نوربخش توکلی در «تذکره مشایخ نقشبندیه» آورده است.^{۱۴} اکنون آرامگاه وی در ۵ کیلومتری شهر دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) که به «حضرت مولانا» در میان مردم اشتهار دارد یکی از مقدس‌ترین و برترین زیارتگاه‌های آن کشور محسوب می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت بر کسی پوشیده نیست که رساله‌های عرفانی به‌ویژه در حوزه عرفان نظری از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این رساله‌ها با توجه به محور موضوعی از قرن سوم هجری (قرن ۹ میلادی) به بعد تأثیرات فراوانی در شکل‌گیری مبنای فکری سلسله‌های عرفانی داشته است که یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین آثاری که در قرن نهم هجری قمری (قرن ۱۵-۱۶ میلادی) در زمینه عرفان نظری تألیف و تدوین شده رساله ابدالیه تألیف مولانا یعقوب چرخي است که از موارث گران‌بهای ادبیات عرفانی نقشبندیه محسوب می‌شود. شناخت این رساله در تاریخ مقولات خاص عرفانی همچون ابدالیان و جایگاه معنوی اولیاء و قدیسین پیروان طریقت بسیار ارزشمند و قابل توجه می‌باشد.

در سیر تحولات فکری تاریخ عرفان و تصوف حوزه خراسان و ماوراءالنهر (و به طور کلی مشرق زمین) شناسایی و شناساندن منابع اصلی این تحولات یکی از عمده‌ترین اهداف این نوع پژوهش‌ها می‌باشد. با بررسی و شناسایی این میراث گران‌بها می‌توان به جهش‌های فکری و اندیشه‌های فلسفی و عرفانی دست پیدا کرد. هدف دیگر تبیین این نوع اندیشه‌ها در برهه‌ای از تاریخ عرفان و تصوف (قرن نهم هجری) بوده که غالباً مشاهیر نقشبندیه در این خصوص نقش چشم‌گیری در تدوین و

۱۱ کاشفی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۱۹؛ چرخي، انسیه، ۱۳۶۲، ص ۱۲-۳۸.

۱۲ ر.ک. میر عبدالاول نیشابوری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱-۱۹۲، ۲۶۴، ۵۶۶-۵۶۷، ۶۶۹؛ جامی، ۱۳۳۶، ص ۳۹۸-۳۹۹؛ کاشفی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۲۱.

۱۳ غلام سرور لاهوری، ۱۳۱۲، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۷؛ چرخي، پیشگفتار نائیه، ۱۳۵۲، چاپ دوم، ص ۹۹.

۱۴ کاشفی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۱۶؛ توکلی، ص ۱۴۲.





جای مانده) نامی برای آن نهاده ولی کاتبان و ناسخان آن را «ابدالیه» نام نهاده‌اند. منابع و مآخذ احوال و آثار چرخي نیز از این اثر یاد نکرده‌اند.^{۱۵} نکته‌ای را نباید فراموش کرد که چرخي در تدوین رساله ابدالیه به صلاح الدین بن مبارک بخاری صاحب کتاب «انيس الطالبين و قُدوة السالکين» دوست و هم طریقت خود تأسی کرده است، زیرا این رساله را در مقامات و کرامات قطب الاقطاب بهاء الدین نقشبندی نگاشته است که خود مؤلف (به سال‌های ۷۸۵ ق به بعد) از وی دیده یا بین درویشان مصاحب وی معروف بوده است. در این کتاب به موضوع ولایت و کسی که لایق به این مقام می‌باشد، طی چهار قسم گزارش شده است: **قسم اول:** در تعریف ولایت و ولی؛ **قسم دوم:** در ابتدای احوال خواجه و سلسله خواجهگان؛ **قسم سوم:** در احوال خواجه و طریق سلوک وی؛ **قسم چهارم:** در ذکر کرامات و ظهورات و احوال و آثار خواجه^{۱۶} این مباحث درست مباحثی است که به نحوی در رساله ابدالیه انعکاس یافته است و البته می‌دانیم صلاح بخاری برای گزارش شخصیت عرفانی بهاء‌الدین خود از نزدیک وی را دیده و مشاهده نموده و به سال ۷۸۵ ق توسط خواجه علاء‌الدین عطار به خدمت بهاء‌الدین نقشبند رسیده و به سال ۷۹۱ ق (پس از درگذشت خواجه نقشبند) به دست خواجه علاء‌الدین عطار خرقة تصوف پوشیده است. همین اتفاق نیز برای مولانا یعقوب چرخي افتاده است.

قابل یادآوری اینکه پس از چرخي رساله‌ای کوتاه نیز توسط علامه عبدالرحمان سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) دانشمند شهیر شافعی با عنوان «ابدال» به زبان عربی تدوین گشته که از ارزش فراوان برخوردار است. این رساله در پاسخ کسی که منکر وجود اولیاء ابدال و نقبا و نجبا و اوتاد

۱۵ رانجه، پیشگفتار، ابدالیه، ۱۳۵۷ش: ۲۶.
۱۶ صلاح بخاری، ۱۳۷۱ش: ۶۹.

و اقطاب که صوفیان بدانها عقیده دارند - بوده، نوشته شده و در اثبات وجود ابدال به نقل چند روایت و گفته‌های بعضی از بزرگان صوفیان استناد کرده است.

رساله فارسی ابدالیه ابتدا با متن تحمیدیه به عربی در ستایش خدای و درود و سلام بر پیامبر اکرم^(ص) و صحابه و تابعین و درخواست رحمت برای استادان و مشایخ و گذشتگان و اولاد وی یران و همه مومنین آغاز شده و سپس یعقوب چرخي با بیان سلسله نسب خود را چنین معرفی می‌کند: «یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد بن محمود غزنوی ثم الچرخي ثم السررزی». ^{۱۷} رساله درباره مقام اولیاء (= ابدال) نگاشته شده و لذا در همان سرآغاز رساله می‌گوید که:

«بعد از رسل و انبیاء اولیاء الله‌اند که مرشدان خلایق‌اند».^{۱۸}

شیوه ارشاد اولیاء: به پیروی از آیه ۱۲۵ سوره نحل به روش حکمت و موعظه حسنه و مجادله به شیوه احسن گزارش شده است. چرخي بر این باور است که اولیاء بر جمیع جن و انس و مسلمان و کافر رحم می‌کنند و به ابیاتی از مثنوی مولوی در دفتر سوم استناد می‌نماید^{۱۹} وی سپس به استناد آیات ۶۳ سوره یونس و آیه ۶۳ سوره فرقان و سوره احقاف می‌گوید: «اولیاء الله بوده‌اند و هستند و خواهند بود لاطلاق النصوص».^{۲۰} چرخي سپس هدف از تالیف رساله را بیان می‌کند و می‌گوید «این فقیر خواست که در این رساله از صفت اولیاء الله را بیان کند، به قدر حال».^{۲۱} چرخي پس آنگاه تمام رساله را به شرح و توضیح موضوع اصلی رساله: صفت اولیاء الله اختصاص داده که در مدخل‌های بعدی به آن می‌پردازیم اما پیش از هر چیز به معرفی نسخه‌های خطی و یک نسخه چاپی آن پرداخته و سپس به شرح و بسط موضوعات اصلی آن خواهیم پرداخت.

۲. نسخه‌های خطی و چاپی ابدالیه:

از رساله ابدالیه تا کنون جز یک نسخه در ایران شناسایی نشده است.^{۲۲} اما از آن چند نسخه در شبه قاره باقی مانده است.^{۲۳} در عین حال از وجود چند نسخه از آن در کتابخانه‌های اروپا و آسیای مرکزی نیز خبر داریم.^{۲۴}

آنچه تا کنون نگارنده این سطور بر اساس مطالعات میدانی و مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز نسخ خطی خارج از ایران از جمله تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان، و نیز بر اساس فهرست‌های نسخه خطی شناسایی و بازیابی کرده است به شرح ذیل گزارش می‌شود:

- کتابخانه انیستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی (وابسته به آکادمی علوم ازبکستان) - تاشکند - به شماره ۴۳۵۴/۸ - عرفان.

آغاز: جمله، خطبه، اما بعد می‌گویم بنده ضعیف راجی للطفو ... یعقوب بن عثمان بن محمد بن الغزنوی ثم الچرخي ثم السررزی (کذا) غفرالله تعالی له و لهم و لجمیع المؤمنین که بعد از رسل و انبیاء اولیاء الله‌اند که کرم ...»

انجام:

قطب الکبری که مرشد بر حق بود

چیزی که به حق ز قیده مطلق بود

۱۷ چرخي، ابدالیه، ۱۳۵۷ش: ص ۱-۲.

۱۸ همانجا.

۱۹ همانجا.

۲۰ همان: ص ۳.

۲۱ همان: ۱۳۵۷ش: ص ۴.

۲۲ ر.ک. منزوی، فهرستواره، ج ۷: ص ۳۴.

۲۳ ر.ک. منزوی، مشترک، ج ۳: ص ۱۲۲۵.

۲۴ ر.ک. منزوی، فهرستواره، ج ۷: همانجا.

طی کرده تمام وادی تفرقه را

در لُجّه بحر جمع مستغرق بود

مشخصات: کاتب ناشناس، تاریخ کتابت: سده ۱۲ هجری، به خط نستعلیق، تعداد ۱۲ برگ، اندازه ۱۱ × ۱۷/۵ س. ۲۵

- کتابخانه انیستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی (وابسته به آکادمی علوم ازبکستان) تاشکند - به شماره ۹۳۵۱/۳ - عرفان.

آغاز: مانند نمونه شماره ۱

انجام: این نسخه از انجام افتادگی دارد.

مشخصات: کاتب ناشناس، تاریخ کتابت نامعلوم، خط نستعلیق، تعداد برگ ۴۱، اندازه ۱۱ × ۱۸ س. ۲۶

- کتابخانه انیستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی (وابسته به آکادمی علوم ازبکستان)؛ تاشکند - به شماره ۳۸۴۴/۷ - عرفان.

آغاز: مانند نمونه شماره ۱

انجام: مانند نمونه شماره ۱

مشخصات: کاتب ناشناس، تاریخ کتابت سال ۱۲۵۴ ق، خط نستعلیق، تعداد برگ: ۱۱ برگ. ۲۷

- کتابخانه انیستیتوی شرق شناسی ابوریحان بیرونی (وابسته به آکادمی علوم ازبکستان)؛ تاشکند - به شماره ۹۳۲۸/۲ - عرفان.

آغاز: مانند نمونه شماره ۱

انجام: مانند شماره ۱

مشخصات: کاتب ناشناس، تاریخ کتابت سال ۱۲۷۵ ق، خط نستعلیق، تعداد برگ: ۷، اندازه ۱۵ × ۲۵ س. ۲۸

- کتابخانه گنجبخش اسلام آباد - به شماره ۳۹۵.

- کتابخانه گنجبخش اسلام آباد - به شماره ۵۸۶۶.

- کتابخانه سراجیه خانقاه شریف احمدیه سعیدیه پاکستان (دو نسخه) ۲۰

- کتابخانه دیوان هند لندن - به شماره ۱۷۴.

- کتابخانه دانشگاه (پوهنتون) کابل - افغانستان به شماره ۱۶۶۷۹.

- کتابخانه حکیم محمد موسی امرتسری در لاهور پاکستان. ۳۱

- کتابخانه دانشگاه علیگر (هندوستان). تحریر در سال ۱۱۶۶ ه.ق. ۳۳

این رساله برای نخستین بار با تصحیح و تعلیق و پیشگفتار محمد نذیر رانجه‌ها به سال ۱۳۵۷ خورشیدی در اسلام‌آباد چاپ و منتشر شد و به زبان اردو نیز توسط نامبرده ترجمه و در سال ۱۳۹۸ ق در لاهور به طبع رسید. مصحح و مترجم محمد نذیر رانجه‌ها درباره رساله می‌گوید:

«چون متن این را کهن و ارزنده دیدم در تصحیح و چاپ آن کوشیدم و ترجمه آن را برای نخستین بار به زبان اردو فراهم کرده، و از سوی مؤسسه انتشارات اسلامی ۲۴۹ - این ۹ سمن آباد لاهور (آوریل ۱۹۷۸ م) چاپ شده است.» ۳۴

- از این رساله تنها یک نسخه در ایران در کتابخانه مرعشی نجفی قم (باشماره ۱۰۸۷۲/۲) نگهداری می‌شود که توسط محمد قزقلجلونی به تاریخ جمعه ۲۵ شعبان ۱۲۷۴ ق به خط نسخ کتابت شده است.

۲۵ قاسملو، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۲.

۲۶ همان: ج ۳، ص ۳.

۲۷ همان: ج ۳، ص ۳-۴.

۲۸ همان: ج ۳، ص ۴.

۲۹ تسبیحی، فهرست الفبایی، ۱۳۷۸: ج ۴.

۳۰ همان: ج ۴ و تسبیحی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳۱ اته، فهرست مخطوطات فارسی، ج ۲: ۱۰۲.

۳۲ تسبیحی، همان، ۱۳۷۸: ج ۴.

۳۳ عطاردی، ۱۳۷۶: ج ۳۱۴.

۳۴ چرخ، ابدالیته، مقدمه رانجه‌ها، ۱۳۵۷: ص بیستوشش.

آغاز کتاب چنین است:

«الحمد لله الذی بین خلقه فی المراتب ... و بعد فقد بلغنی عن بعض من عنده انکار علی من اشتهر من السادات الاولیاء...». انجام کتاب نیز با این جملات پایان می‌یابد: «و هو هذا الدعاء یا سریع الحساب یا شدید العقاب... إلى آخره» ۳۵.

۳. موضوعات و فصول رساله ابدالیته موضوع و محور اصلی این رساله «بیان صفت اولیاءالله» است ولی در کنار موضوع اصلی، مؤلف به مباحث و مسایل فرعی دیگر به شرح و ترتیب ذیل پرداخته است:

- استناد به آیات و احادیث نبوی و مثنوی مولوی برای اثبات موضوع. ۳۶
- گزارش عارفانه‌ها از قول پیر طریقت شیخ ابوسعید ابی الخیر. ۳۷
- اثبات کرامات عجیبه و خوارق عادات اولیاءالله. ۳۸
- بیان دیدگاه مولوی به استناد مثنوی معنوی. ۳۹

- گزارش داستان حکیم هندی و شیخ ابوالحسن غزنوی در اثبات کرامت اولیاء. ۴۰
- گزارش داستان کرامت خواجه بهاءالدین نقشبند درباره مولانا حمیدالدین شاشی. ۴۱
- گزارش داستان کرامت خواجه علاءالدین عطار و سُنّتی شدن معتزلی. ۴۲

- فصلی در اثبات تأثیر اولیاءالله بر عوالم و بیان مراتب اولیاء. ۴۳
- فصلی در گزارش روایت عبدالله ابن مسعود از قول پیامبر درباره اولیاء و رفتار و صفات آنان. ۴۴

- فصلی در طبقات صوفیان و بیان قطب الارشاد و قطب الابدال و

۳۵ فهرست کتابخانه مرعشی نجفی، ج ۲۷: ۴۹۲؛ درایتی فهرستگان، ۱۳۹۰: ج ۱: ۳۰۶-۳۰۷.

۳۶ چرخ، ابدالیته، ۱۳۵۷: ص ۲-۴.

۳۷ همان: ص ۵-۶.

۳۸ همان: ص ۷-۸.

۳۹ همان: ص ۷-۸.

۴۰ همان: ص ۸-۱۱.

۴۱ همان: ص ۱۲.

۴۲ همانجا.

۴۳ همان: ص ۱۲-۱۳.

۴۴ همان: ص ۱۳-۱۷.





صوفیان عشرتی و عزلتی.^{۴۵}

- فصلی در شرح جایگاه قطب از دیدگاه مولوی (به استناد اشعار مولوی) و بیان فرق بین عزلتیان و عشرتیان، و جایگاه و صفات قطب عشرتی و قطب عزلتی.^{۴۶}

- فصلی در شرح و مصداق قطب‌الابدال و قطب‌الارشاد و شرح جایگاه اعتصام قرنی (عمومی اویس قرنی) به عنوان قطب ابدال زمان ظهور پیامبر اکرم.^{۴۷}

- مباحثی راجع به زندگانی و صفات روحانی و جسمانی خواجه خضر^(ع) و خواجه الیاس^(ع) و ملاقات این دو توسط سالکان و عارفان.^{۴۸}

- ابیاتی از حضرت خضر در جنگ تبوک.^{۴۹}

- مرتبه و فضایل حضرت خضر (عبدیه- عندیّه- علوم لدنیّه) و گزارش عمر و فرزندان و آداب زندگی وی و حضور وی در اماکن گوناگون (همچون مکه، بخارا).^{۵۰}

- روایت پیامبر در باری و نصرت خدا برای گوینده صلوات بر ایشان و دعای خضر و در پایان بیان مذهب اولیاء.^{۵۱}

۴. بررسی محوره‌های اصلی و اساسی رساله ابدالیه:

ما در اینجا برای اینکه اطاله کلام نشود و مباحث از حدود یک مقاله پژوهشی فراتر نرود به چند مطلب محوری این رساله بر اساس جایگاه آن در تاریخ عرفان و تصوف دوره اسلامی اشارت و بسنده می‌کنیم:

۱. ابدال و ابدالیان: شاید مهم‌ترین مبحثی که در رساله چرخ‌چی که با عنوان «ابدالیه» شهرت و نام‌گذاری شده است طبقه «ابدال» در سلسله مراتب اولیاء الهی است. ابدال در

لغت جمع بدل یا بدیل به معنای جانشین است. در اصطلاح صوفیه یکی از طبقات شش‌گانه اولیاء الله است که عوام آنها را نمی‌شناسند و به همین جهت جزو «رجال الغیب» خوانده شده‌اند. خداوند به وجود آنها اقلیم سبعة را حفظ می‌کند و هر یک از آنها اقلیمی دارد که در آن ولایت دارد و آنها با سایر طبقات اولیاء مایه قوام عالم هستند و راحت و رحمت از آسمان بر زمینیان از برکت ایشان است و به آنها بلا از امت رفع می‌شود.^{۵۲} وجه تسمیه آنها به ابدال آن است که به قول شاه نعمت الله ولی: «چون مسافرت کند یکی از ایشان از موضعی ترک جسد کند به صورتی که داشت به حیثیتی که هیچکس نداند که او غایب شد»^{۵۳} یا آنکه به قول ابن عربی: «چون یکی از آنان بمیرد خدای تعالی دیگری را به جای او برانگیزد تا شمار آنان کامل ماند.» و یا اینکه: «هر یک از آنها اگر بقیه نباشند نیابت آنها دارد و قائم مقام جمیع آنهاست».^{۵۴}

در مراتب نزولی طبقات اولیاء که از قطب شروع می‌شود، ابدال در مرتبه چهارم پس از افراد و اوتاد قرار دارند. مکان ایشان در شام است و مطابق حدیث مروی از عبدالله ابن مسعود که در طبقات اولیاء ذکر می‌شود، تعداد آنها را اکثراً هفت نفر ذکر کرده‌اند حدیث مذکور به شرح ذیل است: «انَّ لله تعالی فی الارض ثلثمائة شخص قلوبهم علی قلب آدم علیه السلام و اربعون له قلوبهم علی قلب موسی علیه السلام... و له سبعة قلوبهم علی قلب ابراهیم علیه السلام و له واحد قلبه علی قلب اسرافیل علیه اسلام الخ» همانا خداوند را در زمین سیصد شخص است که قلبشان بر قلب آدم^(ع) است و چهل شخص است که قلبشان بر قلب موسی^(ع) و هفت نفر است که قلبشان بر قلب ابراهیم^(ع) است و یک نفر است که قلبش بر قلب اسرافیل^(ع) است. بنابراین حدیث که چرخ‌چی نیز بدان استناد کرده است، طبقه ابدال قلبشان بر قلب ابراهیم^(ع) است گاهی نیز تعداد آنها را چهل نفر ذکر کرده‌اند.^{۵۵} در متون عرفانی شیعه حدیث مذکور را با امام دوازدهم و یاران وی مطابقت کرده و گفته‌اند: و کسی که واحد است و قلب او بر قلب اسرافیل است او از ائمه است که در زمان ما حضرت قائم است.^{۵۶}

درباره ابدال و ابدالیان عزیزالدین نسفی در انسان کامل (ص ۳۱۷-۳۲۳) و عبدالرزاق کاشانی در اصطلاحات الصوفیه (ص ۳۶) و میرسید شریف جرجانی در تعریفات (ص ۱۹) و ابن عربی در اصطلاحات الصوفیه (ص ۱۱۶) توصیف دقیق و مستوفی گفته‌اند.

۲. مراتب اولیا: در فرهنگ عرفان و تصوف جایگاه «قطب» بسیار مهم و والا توصیف و تبیین شده است. قطب کسی است که منظور نظر خدای تعالی است در همه ازمینه، و طلسم اعظم به او داده شده است. و او در کون و اعیان ظاهر و باطن ساریست و چون سریان جان در کالبد، و قسسطاس فیض در کف او و افاضه روح حیات بر کون اعلی و اسفل در دست اوست.^{۵۷} وی تنها انسان کاملی است که به نظر صوفیان احاطه‌اش به جمیع آدمیان محقق است و همه مقامات و حالات تصوف را می‌داند. او عقل عالم امکان است و تصرف وی در عقول برای صوفیان مسلم است.^{۵۸} هجویری در کشف المحجوب آنچه که مولانا چرخ‌چی در رساله

۵۲ ر.ک. چرخ‌چی، ابدالیه؛ ۱۳۵۷ش: ص ۱۲.

۵۳ شاه نعمت الله ولی، رسائل، ج ۱: ۱۶.

۵۴ ابن عربی، الفتوحات المکیة، باب ۷۳.

۵۵ شاه نعمت الله ولی، رسائل، ج ۴: ۱۵۰، شرح اسماء الحسنی: ۲۰۴؛ سفینه البحار، ج ۱: ۶۴، ج ۲: ۴۳۸.

۵۶ اربعین قاضی سعید قمی: ۱۲۲، شرح اسماء الحسنی: ۲۰۴.

۵۷ جرجانی، تعریفات- ذیل قطب، ص ۱۸۹.

۵۸ عطار نیشابوری، اسرارنامه، چاپ گوهرین: ۲۵۷.

۴۵ همان: ۱۷-۱۹.

۴۶ همان: ۱۹-۲۶.

۴۷ همان: ۲۶-۲۸.

۴۸ همان: ۲۸-۳۰.

۴۹ همان: ۳۰-۳۱.

۵۰ همان: ۳۲-۳۵.

۵۱ همان: ۳۵-۳۶.

ابدالیه در باب سلسله مراتب عارفان گزارش کرده پیش از وی چنین بیان می‌کند: «اما آنچه اهل حل و عقدند و سرهنگان درگاه حق - جل جلاله - سیصدند که ایشان را اخیر خوانند، و چهل دیگر که ایشان را ابدال خوانند و هفت دیگر که مر ایشانرا اوتاد خوانند، و سه دیگرند که مر ایشانرا نقیب خوانند، و یکی و را قطب خوانند و غوث خوانند.»^{۵۹} ابن عربی نیز قطب را همان غوث می‌داند که منظور نظر الهی در تمام دوران‌ها می‌باشد: «التَّطَبُّبُ وَهُوَ الْغُوثُ مَغْبَارَةٌ عَنِ الْوَاحِدِ الَّذِي هُوَ مَوْضِعُ نَظَرِ اللَّهِ مِنَ الْعَالَمِ مِنْ كُلِّ زَمَانٍ وَهُوَ عَلِيُّ قَلْبٍ اسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^{۶۰} در شرح گلشن راز تعداد ابدال هفت تن شمرده شده و از آنان با لغت «امناءالله» نیز یاد شده است. مرتبه قطب یا قطب الاقطاب و غوث اعظم اعلی از جمیع اولیاء الله دانسته شده و به عنوان مظهر باطن نبوت حضرت رسالت (ص) معرفی گردیده است.^{۶۱} شاه نعمت الله ولی نیز درباره ابدالان سخن فراوان گفته و آنان را در مرتبه انسان کامل قرار می‌دهد:

هر که جان داد و هوای او ستاد نزد ابدالان بود نعم البدل^{۶۲}
 ۳. قطب الابدال و قطب الارشاد (عزلیان و عشرتیان): مولانا چرخى در رساله ابدالیه قائل به دو قطب می‌باشد. یکی قطب الابدال، دیگری قطب الارشاد. و معتقد است که قطب الارشاد افضل از قطب الابدال بوده و خود آن را به عزلیان (طایفه قطب الابدال) و عشرتیان (طایفه قطب الارشاد) تقسیم می‌کند. یعقوب چرخى در ضمن مباحث «قطب الابدال» و «قطب الارشاد» می‌گوید:

«طایفه اول را عزلیان گویند و طایفه دوم را عشرتیان گویند و قطب الارشاد از عشرتیان است و او افضل است از قطب الابدال. در تفسیر عین المعانی شمس العارفین الغزنوی السجواندی صاحب وقوف قرآن - رحمه الله علیه - آورده است که عزلیان از یک وجه افضل اند از عشرتیان و عشرتیان از وجه دیگر یعنی بینها عموم و خصوص من وجه است و عزلیان به منزله ندمای ملوک اند و عشرتیان به منزله وزرایند. ظاهر به خلق و باطن به حق اند. و اگر از عزلیان کسی گناهی کند عذر او را قطب عشرتی خواهند تواند خواست تا عفو شود... و اولیاء عزلیان همیشه بوده اند و هستند و خواهند بود...»^{۶۳}

خواجه محمد پارسا نیز در رساله قدسیه (کلمات بهاءالدین نقشبند) همین دیدگاه چرخى را در خصوص عزلیان و عشرتیان بیان می‌کند و می‌گوید: «و چنانکه اهل تلوین و اهل تسکین را به ندما و وزرا تشبیه فرموده اند، ولی عزلت و ولی عشرت را هم به ندیم و وزیر تشبیه کرده اند. ولی عزلت اشرف است، بنسبت حال و ولی عشرت افضل است، بحسب کمال و همچنین ملک مقرب اشرف است از انسان کامل، و انسان کامل اکمل و افضل است از وی»^{۶۴}. چرخى در نی‌نامه (رساله نائیه) نیز به مراتب قطب اشارت کرده است.^{۶۵}

۴. خواجه خضر و خواجه الیاس: این دو شخصیت در عرفان و تصوف و به ویژه در حوزه تعالیم عرفانی جایگاه ویژه‌ای دارند به همین سبب مولانا چرخى راجع به زندگانی و صفات روحانی و جسمانی و دیدار با این دو و تلمذ و تعلم توسط سالکان و عارفان سخن به میان آورده است.

در این سنت عرفانی جایگاه این دو فرد معمولاً در بالاترین مراتب اولیاء الله قرار داده شده است. محی الدین ابن عربی گاهی الیاس^{۶۲} و خضر^{۶۳} را در کنار حضرت عیسی^{۶۴} و حضرت ادریس^{۶۵} از اوتاد معرفی می‌کند که با جسم خود در دنیا حضور دارند که دو تن از آنان امامانند و یک تن قطب است.^{۶۶}

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث عرفان اسلامی موضوع ولایت، ولی و انسان کامل است که خود را در قالب مراتب گوناگون متجلی می‌سازد. گاهی به نام غوث اعظم و یا به نام قطب و قطب الاقطاب نامیده می‌شوند. مراتب اولیاء از دیدگاه مولانا چرخى همچون قدمای صوفیه به این ترتیب تعریف شده است:

قطب یا غوث، نقیب (نقیب)، اوتاد، ابرار، ابدال، اخیر. در این میان قطب الارشاد و قطب الابدال جایگاه ویژه‌ای دارند و اینان هر کدام با عنوان مرشدان خلائق مظهر برخی از صفات حق می‌باشند. بنابراین برای سیر در وادی عرفان عملی و معرفت ربّانی نیاز به ولی و اولیاء خواهد بود که در این رساله معیارهایی برای پیروی اولیاء ترسیم شده است.

ضمن اینکه از چیستی و هویت و جایگاه اولیاء نیز آشکارا سخن به میان آمده است و به استناد آیات و احادیث و صوفیان طریقت به شرح و بسط صفت اولیاء پرداخته شده است.

۶۶ ابن عربی، الفتوحات المکیة، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۶۸-۲۷۰.

۵۹ هجویری، ۱۹۲۶م: ۲۹۹.

۶۰ ابن عربی، کتاب اصطلاح الصوفیه، ۱۹۴۸م: ۴.

۶۱ لاهیجی، شرح گلشن راز، ص ۲۸۲.

۶۲ شاه نعمت الله ولی، دیوان، ص ۱۸.

۶۳ چرخى، ابدالیه، ۱۳۵۷ش: ۲۰-۲۴، ۲۶-۲۸.

۶۴ پارسا، ۱۳۵۴ش: ۴۷.

۶۵ چرخى، نی‌نامه: ۱۳۵۲ش: ۴۱-۴۴.

کتاب‌نامه

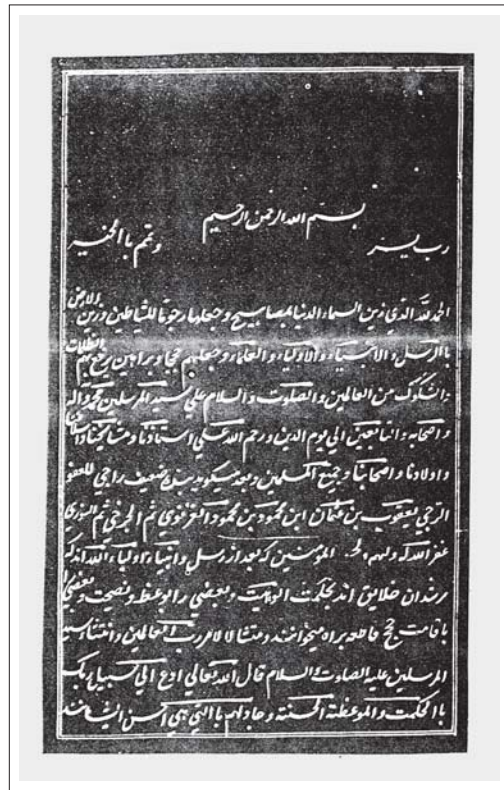
- آتشین جان، بابک، (۱۳۷۵ش): «یعقوب چرخي»، دانشنامه ادب فارسی (ج: ۱: آسیای مرکزی)، به سرپرستی حسن انوشه، نشر دانشنامه، تهران.
- آملی، حیدر (۱۳۵۳ش): المقدمات من کتاب نصّ النصوص فی شرح فصوص الحکم؛ به کوشش هانری کرین و عثمان اسماعیل یحیی. چاپ تهران.
- ابن اثیر کُرد جزری، مبارک بن محمد (۱۹۶۳): الثهابة، به کوشش طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطنحانی، چاپ تهران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲ش): مقدّمه ابن خلدون: ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۳۲۹ق): التاريخ الكبير، چاپ دمشق.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۳۷۵ق): الفتوحات المکیة، دارصادر، بیروت.
- _____ (۱۳۸۳ق): اصطلاحات الصوفیة. دارصادر، بیروت.
- اته، فهرست مخطوطات فارسی (ج ۲)
- احمد بن حنبل (بی تا): المسند، دارالفکر، بیروت.
- احمدیان شالچی، نسرين (۱۳۷۸ش): ديار آشنا بنياد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد (چاپ اول).
- استوری (۱۳۶۲ش): ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه: یو. ا. برگل، مترجمان فارسی: یحیی آریانیور- سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر احمد منزوی؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- الگار، حامد: «یعقوب چرخي»، ایرانیکا ج ۴. (ذیل چرخي)، ص ۸۱۹-۸۲۰.
- امین احمد رازی (بی تا): هفت اقلیم (جلد اول). با تصحیح و تعلیقات جواد فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادیبه، تهران.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲ش): طبقات الصوفیة، به کوشش محمد سرور مولائی، چاپ تهران.
- بدایونی، مولانا اعجاز احمد (۱۳۱۲هـ-ق): مجموعه سته ضروریه (مجموعه رسائل نقشبندیه)، چاپ سنگی، دهلی، هندوستان.
- پارسا، خواجه محمد (۱۳۴۵ش/۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م): رساله فُذسیته، با مقدمه و تحشیه و تصحیح و تعلیقات ملک محمد اقبال؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپندی.
- پارسا، خواجه محمدین محمد بارسای بخارائی (۱۳۵۴ش)، قدسیه (کلمات بهاء‌الدین نقشبند)، به کوشش احمد طاهری عراقی؛ طهوری، تهران.
- تسبیحی، محمد حسین، (۱۳۴۹ش): فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس.تی. پرنترز، اسلام‌آباد.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۳۶ش): نفحات الانس من حضرت القدس؛ به تصحیح مهدی توحیدی پور، محمودی، تهران.
- جامی، عبدالرحمان (بی تا): نفحات الانس، مطبعه اسلامیة اسنیم پریس، لاهور.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۳۷ش): نفحات الانس، به کوشش مهدی توحیدی پور، چاپ تهران.
- جرجانی، میرسیدشرف (۱۴۱۱ق و ۱۹۹۱م): التعریفات، دارالکتاب اللبنانی، چاپ بیروت.
- چرخي، مولانا یعقوب (۱۳۳۱ق): تفسیر چرخي. ناشر: حاجی عبدالقادر و پسران. تاجران کتب، ارگ بازار قندهار (افغانستان).
- _____ (۱۳۳۱ق): تفسیر چرخي. مطبعه اسلامیة نسیم پریس، لاهور (پاکستان).
- _____ (۱۳۸۷ش): تفسیر یعقوب چرخي. به اهتمام حسنعلی محمدی- لیلا حمامی، ویرایش عربی، بتول علی‌نیا؛ نشر فرتاب، تهران (جلد اول).
- _____ (۱۳۳۶ش): نائیه (نی نامه) چرخي. با حواشی و مقدمه خلیل الله خلیلی، بی نا، کابل.
- _____ (۱۳۵۲ش): نی نامه، به کوشش خلیل الله خلیلی، کابل (چاپ دوم)
- _____ (۱۳۶۲ش): انسیتیه؛ تصحیح و ترجمه ابه اردو و مقدمه محمد نذیر رانجه، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و دیره اسماعیل خان، مکتبه دائرة ادبیات، اسلام آباد.
- _____ (۱۳۳۱ق): تفسیر یعقوب چرخي، به اهتمام ولی محمد قندهاری، لاهور.
- _____ (۱۳۳۱ق): تفسیر یعقوب چرخي. انتشارات حاجی عبدالغفار و پسران تاجران کتب ارگ بازار قندهار افغانستان و مطبعه اسلامیة سیستم پریس، لاهور.
- _____ (۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م/۱۳۹۸ق): رساله ابدالیته؛ تصحیح و تعلیق و پیشگفتار از محمد نذیر رانجه، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- خانباها، مشار (۱۳۴۴ش): مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی (ج: ۶: محمود- یهو)؛ ناشر مؤلف، تهران.
- _____ (۱۳۳۷ش): فهرست کتابهای چاپی فارسی (دو مجلد). بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- خلیلی، خلیل الله، (۱۳۷۷ق): نی نامه یعنی رساله نائیه مولینا چرخي و نائیه مولینا جامی، با مقدمه و تعلیق خلیل الله خلیلی؛ چاپ کابل.
- خواجه اف، احمد خواجه محمد، (۱۹۸۸م): «یعقوب چرخي». در انسیکلو پیدیای سویتی تاجیک ادایرةالمعارف شوروی تاجیک، جلد هشتم، چاپ دوشنبه، تاجیکستان.
- خواجه عبیدالله احرار (۱۳۵۷ش): «رساله حورائیه خواجه احرار» (ضمیمه اسرار التوحید). به تصحیح احمد بهمینیار، چاپ تهران.
- خیام پور، عبدالرسول (۱۳۴۰ش): فرهنگ سخنوران. شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، تبریز.
- داراشکوه، محمد (۱۸۷۲م): سفینه الاولیاء، چاپ لکهنو.
- رانجه، محمد نذیر (۱۳۶۴ش): «دو اثر غیر چاپی یعقوب چرخي». دانش (فصلنامه رایزنی فرهنگی ایران در پاکستان)، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴ش/۱۴۰۵ق، اسلام آباد.
- شاه نعمت‌الله ولی، نورالدین (۱۳۵۵ش): رسائل (رساله‌ها)، به کوشش جواد نوربخش؛ چاپ تهران.
- غلام سرور لاهوری، مفتی (۱۳۳۲ق): خزینة الاصفیاء (جلد اول). ناشر مطبعه منشی نولکشور، کاتپور.
- قاسملو، فرید (۱۳۷۸ش): فهرست نسخه‌های خطی فارسی انسیتوتی شرق‌شناسی ایوربحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان (جلد سوم). مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران.



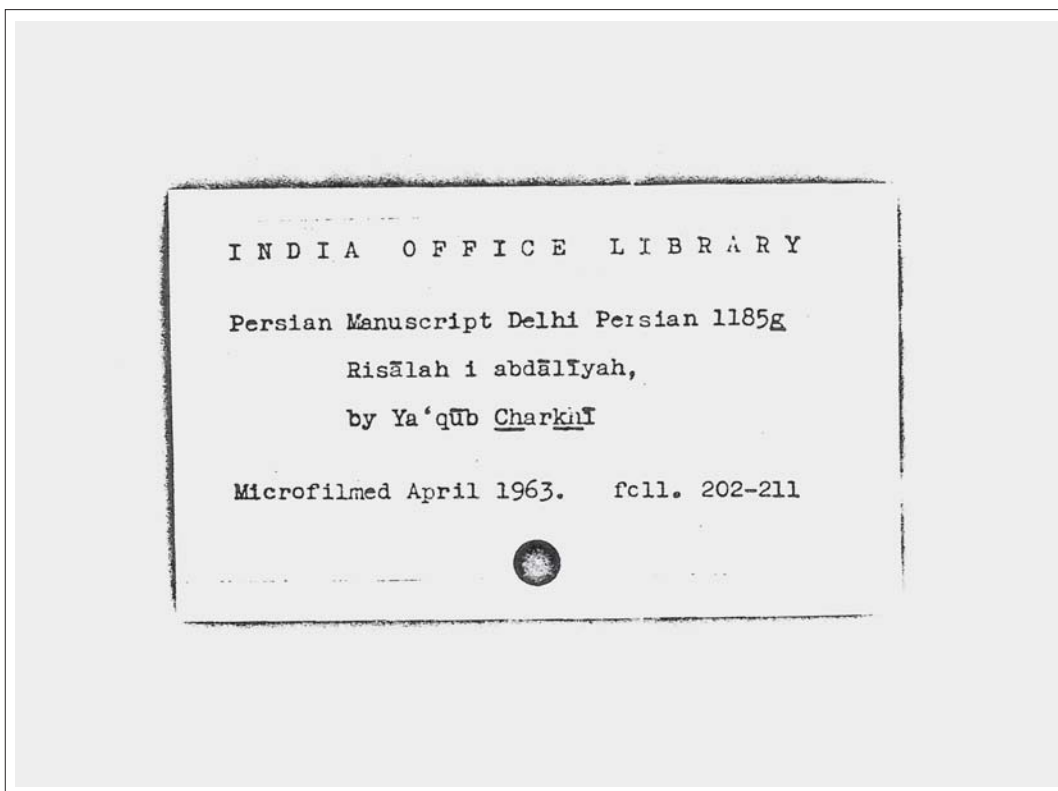
- قمی، شیخ عباس (۱۳۵۲-۱۳۵۹ق): سفینه البحار، چاپ نجف.
- کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۱۵ش): اصطلاحات الصوفیه، در حاشیه شرح منازل السائرین، چاپ تهران.
- کاشفی، فخرالدین علی (۱۳۵۶ش): رشحات عین الحیات؛ به کوشش علی اصغر معینیان، چاپ تهران.
- کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۸۱ش): تذکره عرفای کردستان؛ انتشارات نگاه سبز، تهران.
- منتظمی، رویا: ۱۳۷۴ش: تاجیکستان، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران. (چاپ اول).
- میرعبدالاول نیشابوری (۱۳۸۰ش): احوال و سخنان خواجه عبدالله احرار [مشمول بر ملفوظات، رقعات، خوارق عادات احرار] به تصحیح و با مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- محمد ابراهیم خلیل: ۱۳۲۲ش: «مولینا یعقوب چرخی». مجله آریانا، نشریه انجمن تاریخ افغانستان، سال دوم، شماره ۲: ۱۱-۱۴. (چاپ کابل).
- مکی، محمد بن علی (۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م): قوت القلوب، چاپ قاهره.
- منزوی، علی نقی (۱۳۷۷ش): «فرهنگ‌های عربی به فارسی». مقدمه لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
- منزوی، احمد (۱۳۸۶ش): فهرستواره کتابهای فارسی (ج ۷، منظومه‌ها، بخش اول)، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- منزوی، احمد (۱۳۶۲-۱۳۷۵ش)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، مجموعه مجلدات، چاپ لاهور، پاکستان.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۶۲ش): الانسان الکامل، به کوشش ماریژان موله، چاپ تهران.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴ش): اثر آفرینان (جلد ششم: ناتل خانلری- یوسفی هروی)؛ زیر نظر محمدرضا نصیری؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴ش): تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. انتشارات کتابفروشی فروغی، تهران (دو مجلد).
- نوربخش توکلی، علامه (۱۹۷۶م): تذکره مشایخ نقشبندیه (به زبان اردو) همراه با تکمله از محمد صادق قصوری، ناشر نوروزی بک دیو، لاهور.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۹۲۶م): کشف المحجوب، به کوشش و آژوکوفسکی، چاپ لنینگراد.
- هروی، نظام‌الدین احمد (۱۳۵۸ش): انواریه، به کوشش حسین ضیایی، چاپ تهران.



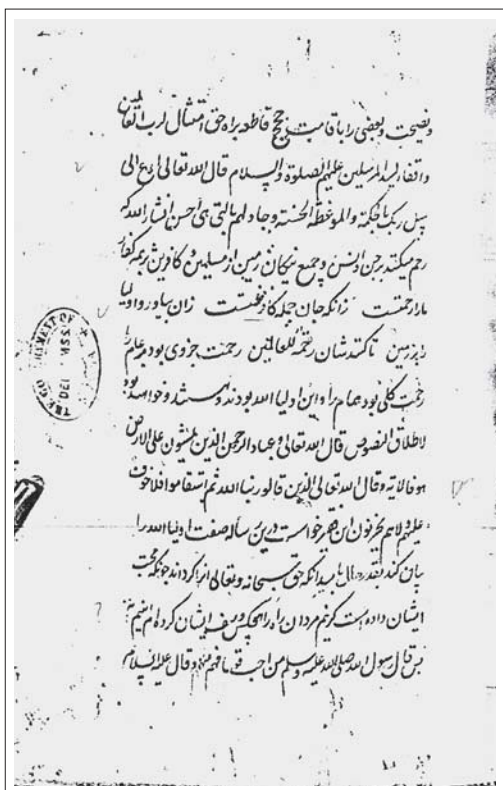
▲ تصویر شماره ۲: صفحه انجام نسخه ابدالیه (کتابخانه دیوان هند لندن به شماره ۱۷۴).



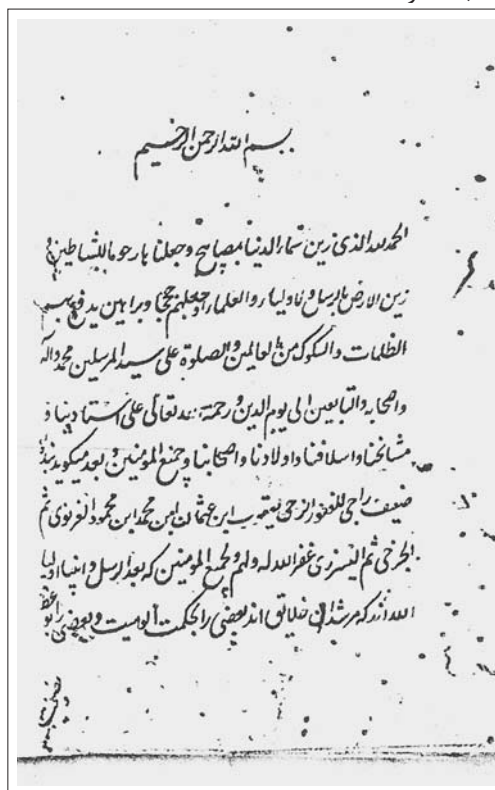
▲ تصویر شماره ۱: صفحه آغاز نسخه ابدالیه (کتابخانه دیوان هند لندن به شماره ۱۷۴).



▲ تصویر شماره ۳: شناسنامه رساله ابدالیه (محفوظ در کتابخانه مرکزی هندوستان)، نسخه میکروفیلم آوریل ۱۹۶۳م (نسخه خطی به شماره ۱۱۸۵).

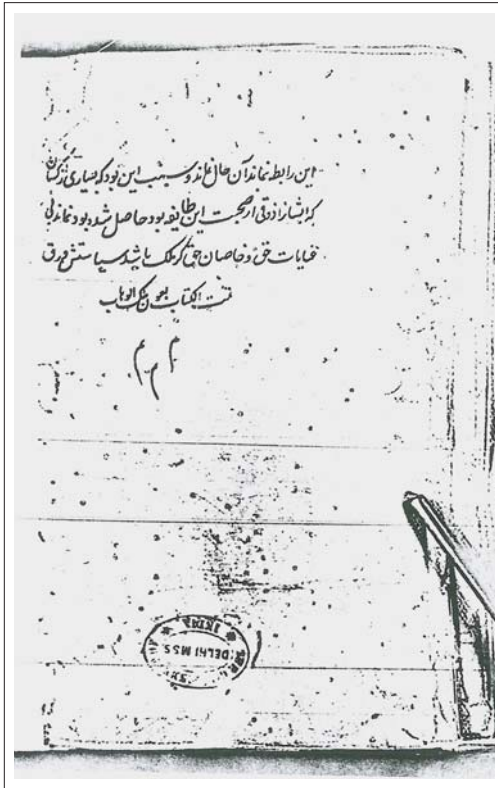


▲ تصویر شماره ۵: صفحه دوم رساله ابدالیه، کتابخانه مرکزی هند، آوریل ۱۹۶۳م، نسخه خطی به شماره ۱۱۸۵.



▲ تصویر شماره ۴: رساله ابدالیه، کتابخانه مرکزی هند، آوریل ۱۹۶۳م، نسخه خطی به شماره ۱۱۸۵.





▲ تصویر شماره ۷: صفحهٔ انجام رسالهٔ ابدالیه (صفحه ۱۱ یا ۲۱۱ مجموعه خطی)، کتابخانهٔ مرکزی هند، آوریل ۱۹۶۳م، نسخهٔ خطی به شمارهٔ ۱۱۸۵.



▲ تصویر شمارهٔ ۶: صفحهٔ دهم (برگ ۲۱۰) رسالهٔ ابدالیه، کتابخانهٔ مرکزی هند، آوریل ۱۹۶۳م، نسخهٔ خطی به شمارهٔ ۱۱۸۵.

